

## برآورد محیط سیاسی شیعیان عراق

رحمت الله فلاح<sup>۱</sup>

### چکیده

عراق یکی از کشورهای مهم منطقه است که در حوزه‌های اندیشه‌ای، سیاسی و امنیتی دارای وزن و جایگاه مؤثر و تعیین کننده است. جامعه عراق دارای ترکیب قومی و مذهبی فعالی است که از مداومت تاریخی و عمق ژئوپلتیک برخوردار است. در این میان، شیعیان عراق از جایگاه ممتازی نسبت به سایر اقوام و مذاهب و نیروهای سیاسی - اجتماعی این کشور برخوردار است، تا جایی که بعد از سرنگونی صدام قدرت سیاسی عراق از طریق روندهای مردم سالارانه به دست شیعیان افتاده است.

در محیط سیاسی شیعیان عوامل و شرایط مختلفی وجود دارد که برخی از آنها در راستای هم افزایی قدرت و نفوذ شیعیان و برخی نیز در راستای تضعیف موقعیت آنها نقش آفرینی می کند. در مقاله حاضر ضمن بررسی عوامل و شرایط محیطی به روندهای موجود نیز اشاره شده است.

۱. پژوهشگر مسائل منطقه‌ای جهان اسلام

## مقدمه

عراق از کشورهای مهم خاورمیانه است که به صورت تاریخی در کانون توجه قدرت‌های بین‌المللی واقع گردیده است. این کشور با مساحت ۴۳۷۰۷۲ کیلومتر مربع و حدود ۲۸ میلیون نفر جمعیت از پتانسیل‌های بسیار بالایی در معادلات قدرت منطقه‌ای خاورمیانه برخوردار است. ذخایر نفت و گاز در شمال و جنوب آن، وجود دو رودخانه نسبتاً پر آب دجله و فرات که از شمال تا جنوب این کشور را سیراب می‌کند، سرزمین مرغوب و حاصلخیز، نیروی انسانی جوان و همسایگی با شش کشور در مرز خشکی و دریایی بر اهمیت آن می‌افزاید.<sup>۱</sup>

این کشور از سال ۱۶۳۸م تا جنگ جهانی اول جزء قلمرو امپراتوری عثمانی محسوب می‌شد که در دوره جنگ جهانی اول (۱۹۱۶) که امپراتوری عثمانی در آستانه فروپاشی بود، نیروهای انگلیسی عراق را تصرف کردند. در سال ۱۹۱۸ نمایندگان عثمانی و انگلیس پیمان صلحی را امضا کردند که به موجب آن حاکمیت چندساله عثمانی بر عراق پایان یافت و قیمومیت انگلیس بر عراق از طریق جامعه ملل به رسمیت شناخته شد. مردم عراق به رهبری علمای نجف در سال ۱۹۲۰ علیه انگلیس قیام کردند و به رغم اینکه ده هزار شهید دادند، توانستند ضربه غیر قابل انتظاری به انگلیسی‌ها وارد سازند.<sup>۲</sup> این مسئله باعث شد انگلیس برای امنیت ماوراءالنهر در صدد برآید تا علاوه بر استفاده از نیروهای نظامی خود، شرایط قومی‌ای را حاکم سازد تا از آن پس امکان چنین خیزش‌های مردمی به وجود نیاید. بر این اساس معرفت هویتی با ترکیب قومی-مذهبی ناهمگن شکل گرفت. در سال ۱۹۲۱ فیصل، فرزند شریف حسین را به پادشاهی تعیین کرد.

در سال ۱۹۲۲ انگلیس قراردادی را با عراق امضا کرد و به مدت ۲۰ سال قیمومیت این کشور بر عراق تأمین گردید. پس از تأسیس کشور عراق، دولت انگلیس در صدد برآمد عراق را وارد جامعه ملل کند. در سال ۱۹۳۲ عراق به عضویت جامعه درآمد و به این ترتیب، حاکمیت اهل سنت عرب تبار عراق با نادیده انگاشتن حقوق اکراد و شیعیان برای یک دوره طولانی پر تنش بر این کشور فراهم شد و تا سال ۲۰۰۳ ادامه داشت. در واقع، اگر به جامعه‌شناسی سیاسی عراق و جایگاه گروه‌های اجتماعی نظری داشته

۱. برای اطلاعات بیشتر رک: عزت‌الله عزتی، *تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۴.

۲. علی گلچین، «تعارضات ساختاری عراق و تأثیر آن بر افراط‌گرایی»، *مطالعات راهبردی*، آبان ۱۳۸۸، ص ۵.



اگر به جامعه‌شناسی سیاسی عراق و جایگاه گروه‌های اجتماعی نظری داشته باشیم، می‌توان گفت که عراق از جمله کشورهای تأسیسی خاورمیانه است که طی قرن بیستم و به واسطه عواملی چون منافع راهبرد قدرت‌های اروپایی در منطقه شکل گرفته است. از این رو مفهوم هویت ملی و شهروندی به عنوان مشخصه‌های اصلی دولت - ملت‌های مدرن در این کشور تکوین نیافته است

باشیم، می‌توان گفت که عراق از جمله کشورهای تأسیسی خاورمیانه است که طی قرن بیستم و به واسطه عواملی چون منافع و راهبرد قدرت‌های اروپایی در منطقه شکل گرفته است. از این رو مفهوم هویت ملی و شهروندی به عنوان مشخصه‌های اصلی دولت - ملت‌های مدرن در این کشور تکوین نیافته است.<sup>۱</sup> وجود شکاف‌های قومی و فرقه‌ای متعدد در عراق باعث شکل‌گیری و برجستگی هویت قومی - فرقه‌ای در این

کشور شده و این نوع هویت به واسطه عوامل تاریخی و سیاسی مختلف تقویت شده است.

شیعیان، سنی‌ها و کردها سه گروه اصلی قومی - مذهبی با گرایش‌های متفاوت در عراق هستند که در مجادله قدرت و سیاست در صحنه عراق فعال هستند. از این رو، گروه‌های عراقی در پی افزایش قدرت و نفوذ خود در ساختار سیاسی جدید بوده و تعقیب منافع و اولویت‌های کلان عراقی نظیر ایجاد ثبات و همکاری میان گروه‌ها در اولویت بعدی آنها قرار دارد. این نوع نگاه منفعت‌طلبانه صرف مبتنی بر بنیان‌های قومی - فرقه‌ای، به تشدید خشونت‌های قومی - فرقه‌ای و عدم موفقیت در روند دولت‌سازی جدید این کشور منجر شده است. شیعیان که اکثریت جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند، در دوره اخیر برای کسب قدرت و جایگاه مناسب در ساختار سیاسی نوین، بیش از هر چیز دیگر بر توسل به قواعد و شیوه‌های دموکراتیک به منظور پیشبرد روند سیاسی عراق تأکید کرده‌اند. عامل اصلی گرایش و تأکید رهبران شیعی بر قواعد و راهکارهای دموکراتیک، ناشی از ساختار جمعیتی عراق و سهم شیعیان در این ساختار و در نتیجه بهره‌برداری راهبردی از آن به منظور دستیابی به حقوق و منافع تاریخی‌شان می‌باشد. در این چهارچوب است که شیعیان عراق توانسته‌اند بعد از سرنوشتی رژیم صدام، دولت را در عراق به دست گرفته و هویت سیاسی عراق را از سنی به شیعی تبدیل نمایند.

کنش رفتار سیاسی شیعیان عراق، امروزه علاوه بر سطح ملی، بلکه منطقه‌ای نیز

۱. محمود واعظی، «رویکرد گروه‌های داخلی عراق به ایران و آمریکا» (مجموعه مقالات عراق پس از صدام پژوهی ۱۲)، پژوهش‌های تحقيقات استراتژیک، ۱۳۸۷، ص ۲۰.

حامل پیامدهای ژئوپلتیک و حتی ژئواستراتژیک است؛ بر این منوال است که برخی از کشورهای رادیکال عرب و غربی، سعی می‌کنند با شعار هلال شیعی فضای سیاسی منطقه را وارد یک قطب‌بندی ژئوپلتیک و مذهبی نمایند. با این اوصاف عوامل و شرایط مؤثر در محیط سیاسی شیعیان عراق از ترکیب مجموعه‌های سیاسی - امنیتی بسیار پیچیده ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی شکل گرفته است که درک آن، جهت و سرعت روندهای آتی و پیامدهایش را تا حدودی روشن می‌نماید.

به همین جهت در مقاله حاضر تلاش می‌شود که ضمن معرفی جامعه شیعیان عراق، به عوامل و شرایطی که در محیط سیاسی آن تأثیر مثبت و منفی می‌گذارد پرداخته شود و در نهایت قلمرو روندهای موجود تحلیل شود.

### توصیف صحنه جامعه شیعیان عراق

شیعیان عراق، هم از نظر تعداد و هم از نظر تأثیر فکری و ایدئولوژیک، مهم‌ترین گروه شیعه در جهان عرب به شمار می‌رود. حدود ۶۰ درصد جمعیت عراق را شیعیان تشکیل می‌دهند که اکثر آنها عرب‌اند ولی شمار اندکی کرد، ترکمن یا فارس‌های عرب‌شده را نیز در بر می‌گیرند.<sup>۱</sup> شیعیان از نظر جغرافیایی، بیشتر در مناطق جنوبی و مرکزی (بصره، عماره، ذیقار، سماوه، قادسیه، کربلا، واسط، نجف، دیاله، بابل، کاظمین و سامرا) زندگی می‌کنند. یک سوم از جمعیت دو میلیون نفری ترکمن‌ها و نیز بخشی از کردهای عراق موسوم به «کردهای فیلی» نیز شیعه هستند.<sup>۲</sup> منطقه شیعه‌نشین عراق دارای منابع غنی نفت و گاز می‌باشد؛ در واقع از نظر جغرافیای اقتصادی دارای اهمیت راهبردی است. شیعیان همواره در طول تاریخ و به طور مشخص از جنگ جهانی اول با ورود استعمار انگلیس، به عنوان یک گروه مبارز در مقابل حکومت‌ها مطرح بودند؛ گرچه در جه، شدت و ضعف مبارزاتشان از یک طرف به دلیل فشار و سرکوب از سوی حکومت‌ها و از سوی دیگر به دلیل رویکرد محافظه‌کارانه برخی از مراجع و علمای مقیم در مراکز قدرت شیعیان متفاوت بوده است. از نظر تاریخ سیاسی، در مورد ریشه‌های حذف شیعیان از مشارکت فعالانه در ساختار سیاسی عراق، دو عامل بیشتر مطرح بوده است:

۱. نقش نیروهای اداری - سیاسی تربیت‌شده در عثمانی، که سنی‌مذهب بودند.

۱. گراهام ای فولر و رند رحیم فرانکه، شیعیان عرب؛ مسلمانان فراموش‌شده، ترجمه خدیجه تبریزی، قم، شیعه‌شناسی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۳.

۲. سیروس برنا بلداجی، «روند دولت‌سازی در عراق نوین؛ الزامات و رویکردهای ایران» (نامه دفاع ۵)، ۱۳۸۳، ص ۱۵.



شیعیان همواره در طول تاریخ و به طور مشخص از جنگ جهانی اول با ورود استعمار انگلیس، به عنوان یک گروه مبارز در مقابل حکومت‌ها مطرح بودند؛ گرچه درجه، شدت و ضعف مبارزاتشان از یک طرف به دلیل فشار و سرکوب از سوی حکومت‌ها و از سوی دیگر به دلیل رویکرد محافظه کارانه برخی از مراجع و علمای مقیم در مراکز قدرت شیعیان متفاوت بوده است

۲. حکم جهاد علمای شیعه ضد انگلیس در ۱۹۱۵ و سال‌های پس از آن که خصومت این کشور نسبت به آنها را به دنبال داشت.

قطع نظر از تاریخ فراز و نشیب جنبش اسلامی شیعیان، باید گفت خاستگاه معاصر آنان در پیوند با شیعیان ایران تعریف شده است. وجود مبانی نظری مشترک مذهب شیعه، نقش تعیین کننده

«مقوله مرجعیت» در جهان اسلام و به ویژه بین ایران و عراق، سابقه حضور رهبر انقلاب اسلامی ایران در عراق، وجود عتبات عالیات در هر دو کشور و مراودات بین حوزه‌های علمیه دو کشور و نیز وجود مرزهای مشترک، از جمله شاخص‌هایی است که موجب «همبستگی ایدئولوژیک و تاریخی- فرهنگی» بین نظام جمهوری اسلامی ایران و معارضان اسلامی عراق به خصوص شیعیان شده است.

فشار گسترده رژیم بعثی، از زمان به قدرت رسیدن (ژوئیه ۱۹۶۸) تا زمان سقوط (مارس ۲۰۰۳) بر شیعیان، در مقاطع مختلف موجب شکل‌گیری جریان‌ها و گروه‌های معارض متعددی شده است که مهم‌ترین آنها اخوان المسلمین، جماعه العلماء، حزب الدعوة الاسلامیه، مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، سازمان عمل اسلامی، جندالامام، الدعوة اسلامیة و نیروها و رویکردهای جدید موسوم به «صدریون» است.<sup>۱</sup>

جایگاه و اقتدار مقوله «مرجعیت» در تحولات کنونی جامعه شیعیان عراق دارای اهمیت است. علاوه بر اقتدار سید عبدالمجید خویی و سید محمدباقر حکیم، که هر دو پس از سقوط رژیم بعثی ترور شدند، می‌توان از مراجعی همچون آیت‌الله سید علی حسینی سیستانی، آیت‌الله سید محمدسعید حکیم، آیت‌الله سید علی بغدادی، آیت‌الله سید محمدتقی مدرسی، آیت‌الله سید کاظم حائری، آیت‌الله فیاض، آیت‌الله بشیر نجفی و علمایی مانند سید محمد بحر العلوم، سید حسین صدر و مقتدی صدر نام برد.<sup>۲</sup>

در بین گروه‌های شیعی عراق نسبت به مسائل ملی عراق دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. برخی از احزاب شیعی مانند مجلس اعلای انقلاب اسلامی، به دنبال تشکیل منطقه

۱. همان، ص ۱۷.

۲. همان، ص ۳۸.

خودمختار شیعه می‌باشد که مشتمل بر ۹ استان در جنوب عراق است؛<sup>۱</sup> در صورتی که حزب الدعوه که امروزه دولت عراق را مدیریت می‌کند، نگاه ملی به مسائل عراق دارد و به دنبال انسجام ملی از زاویه قومی و مذهبی است. در خصوص فدرال بودن نظام سیاسی عراق نیز حزب الدعوه از جمله گروه‌های شیعی است که نظام سیاسی متمرکز را بر فدرالیسم ترجیح می‌دهد و فدرالیسم را در شرایط موجود بستر سازی برای تجزیه و بحران برای عراق می‌داند.<sup>۲</sup>

با این حال شیعیان عراق و به خصوص گروه‌ها و جریان‌های اسلام‌گرای شیعی در عراق بعد از سقوط رژیم بعث وارد مرحله جدیدی از حیات سیاسی و سازمانی خود شده‌اند و جایگاه، نقش و رویکرد اینها در عراق به شدت متحول شده است و در مقایسه با سایر اقوام و مذاهب و همچنین گروه‌های غیر مذهبی از جایگاه مهم‌تر و برتری برخوردار شده‌اند. حزب الدعوه با داشتن پایگاه بومی و داخلی اولیه بعد از سقوط صدام، پست نخست‌وزیری و همچنین اکثریت مجلس را با ائتلاف سایر گروه‌های شیعی به خود اختصاص می‌دهد. با این حال شیعیان عراق بالاخص جریان‌های اسلام‌گرای آن در محیط سیاسی خویش با چالش‌هایی هم‌رو به‌رو هستند. به عبارتی سؤال استراتژیک آنها بر این مبناست که عوامل و شرایط مؤثر محیط سیاسی شیعیان، اجازه خواهند داد که قدرت در حال نهاده شدن شیعیان در جغرافیای عراق پایدار بماند یا بحران‌های متقاطع و متراکم فرآیندهای فعلی را معکوس خواهد کرد؟ برای پاسخ به این سؤال به معرفی عوامل و شرایط مثبت و منفی محیط سیاسی شیعیان عراق می‌پردازیم.

### عوامل و شرایط مؤثر محیط سیاسی شیعیان عراق

در محیط سیاسی شیعیان عراق عوامل و شرایط متعددی وجود دارد که تأثیر خود را به صورت مثبت یا منفی در کارکرد سیاسی آنها می‌گذارد. در ذیل با تفکیک آنها به دو بخش «تقویت‌کننده» یا «تضعیف‌کننده» به توضیح آن خواهیم پرداخت.

#### الف. عوامل تقویت‌کننده

۱. کثرت جمعیت و نتیجه مثبت آن در فرآیندهای سیاسی دموکراتیک؛ شیعیان بخش قابل ملاحظه‌ای از جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند و از تأثیر گذاری بالایی در حوزه سیاست برخوردارند. آنها قادرند در فرآیندهای دموکراتیک که شمولیت

۱. غلامرضا خسروی، «درآمدی بر گزارش گروه تحقیقاتی عراق»، مطالعات راهبردی، ۱۳۸۶، ص ۱۶.

۲. علی اکبر اسدی، «شیعیان و اسلام‌گرایی در عراق پس از صدام؛ جریان‌ها و رویکردها» (مجموعه مقالات)، خاورمیانه (۸)، ویژه اسلام‌گرایی و بیداری اسلامی، /برار معاصر تهران، ص ۱۲۰.



و مقبولیت بالایی دارد، حوزه سیاست و سیاست‌ورزی را متأثر از نفوذ خود سازند؛ همان طوری که در انتخابات مختلف پارلمانی در نهایت انتخاب شخص قوه مجریه (نخست‌وزیر) شیعیان در رأس قرار گرفته‌اند. در واقع کثرت جمعیت شیعیان این امکان را فراهم آورده که شیعیان در حوزه سیاست از نرم‌های دموکراتیک بیشتر حمایت کنند. این در حالی است که گروه‌های سنی به رفتار و گفتار غیر دموکراتیک پناه می‌برند که مقبولیت و مشروعیت آنها در بازی سیاسی عراق همیشه زیر سؤال می‌باشد.

۲. موقعیت ژئوپلیتیک در جهان تشیع؛ شیعیان در مناطق جنوبی عراق و عمدتاً در بصره، نجف و کربلا مستقر هستند و در بغداد هم حضور دارند. در آخرین سرشماری‌هایی که برای انتخابات پارلمانی در عراق برگزار می‌شود روشن شد که بخشی عظیم از جمعیت بغداد را شیعیان تشکیل می‌دهند.<sup>۱</sup> بر همین اساس این حوزه‌ها در ترکیب ساخت قدرت در عراق مؤثر است. بنابراین شیعیان هم از نظر ژئوپلیتیک و هم از نظر ثروت و حضور مکانی یعنی در جنوب و در دهانه خلیج فارس و در بغداد در مرکز عراق دارای موقعیت فوق‌العاده مهمی هستند. شکلی از به هم پیوستگی جغرافیایی شیعیان عراق یا شیعیان منطقه موجود است. از یک طرف جمهوری اسلامی ایران به عنوان عمق ژئوپلیتیک شیعیان عراق محسوب می‌شود، و از طرفی جلوه‌هایی از اتصال ژئوپلیتیک آنها را از جنوب خلیج فارس به شرق عربستان و لبنان و سوریه می‌توان تصور نمود؛ امری که جایگاه استراتژیک شیعیان عراق را تقویت می‌کند؛ البته این امر شاید به جایگاه ژئواستراتژیک کشور عراق و موقعیت سیاسی و مذهبی این کشور در جهان تشیع (به دلیل بارگاه مقدس امامان شیعه در کربلا، نجف، کاظمین و سامرا) باز می‌گردد و همیشه توانسته مسائل مربوط به تشیع را تحت تأثیر قرار دهد. در مجموع می‌توان گفت جایگاه ژئوپلیتیک شیعیان عراق، هم در حوزه ملی عراق و هم در حوزه منطقه‌ای خاورمیانه دارای قابلیت‌های کارکردی سیاسی و راهبردی است.

۳. فقه شیعه و تأثیر گذاری قدرت شیعه در عراق؛ منظور این است که فقه شیعه در خصوص حکومت‌داری و پیوستگی دین و سیاست و آرایه نظر در مسائل اولیه زندگی دستوراتی دارد و مسائل را با اقتضائات روز تطبیق می‌دهد و با تحولات به پیش می‌رود. این البته با فقه سنی متفاوت است که معتقد به ثابت بودن یک سری از اصول و قوانین اسلامی است که کمتر می‌شود آنها را تغییر داد؛ فقه شیعه انعطاف‌پذیری لازم

1. <http://www.khabaronline.ir/detail/148150>

(کیهان برزگر - نفوذ سیاسی و اجتماعی شیعیان در عراق)

فشار گسترده رژیم بعثی، از زمان به قدرت رسیدن (ژوئیه ۱۹۶۸) تا زمان سقوط (مارس ۲۰۰۳) بر شیعیان، در مقاطع مختلف موجب شکل‌گیری جریان‌ها و گروه‌های معارض متعددی شده است که مهم‌ترین آنها اخوان المسلمین، جماعه العلماء، حزب الدعوة الاسلامیه، مجلس اعلاي انقلاب اسلامی عراق، سازمان عمل اسلامی، جندالامام، الدعوة اسلامیة و نیروها و رویکردهای جدید موسوم به «صدریون» است.

در نوع نگاه به حکومت‌داری را به وجود آورده است. این پویایی باعث می‌شود که شیعیان در هر کشوری که دارای نقش‌های کم و زیاد هستند نسبت به حکومت نارضایتی‌هایی داشته باشند. در عراق از آنجا که شیعیان در حال حاضر قدرت اجرایی دارند می‌توانند این پویایی را تا حدودی نیز به کار گیرند. با عنایت به این توضیح درمی‌یابیم که آیت‌الله سیستانی و رهنمودها و مشورت‌های ایشان دارای تأثیر جدی است و حکومت در عراق به نوعی تحت تأثیر رهبران و مراجع عالی‌رتبه است چرا که اینها هم با تکیه بر فقه شیعی حرف‌هایی برای نوع روابط داخلی و

خارجی کشور خود دارند. مثلاً اگر دولت عراق در مورد تحولات بحرین موضع‌گیری نکند یقیناً رهبران و مراجع مذهبی عراق موضع خواهند گرفت چرا که در مسائل مربوط به شیعیان آنها مجبورند به خاطر ارزش‌ها و مسائل ایدئولوژیک به نفع هم‌کیشان مذهبی خود موضع بگیرند. یا به یاد داریم که سخت‌ترین مخالفت‌ها در مورد حضور نیروهای امریکایی از رهبران مذهبی برخاسته می‌شود. اینجاست که «حق» و «مسئولیت» رهبران شیعی مطرح می‌شود که خود ظرفیت بالایی برای جریان‌ها و جامعه شیعی در حوزه سیاست و سیاست‌ورزی به وجود می‌آورد؛ امری که بدون توجه به آن در تحلیل سیاسی محیط شیعیان، دشوار می‌باشد.

۴. سازماندهی جریان‌های شیعه و کنش هدفمند آنها در محیط سیاسی عراق؛ شیعیان عراق دارای سازمان‌های سیاسی، فرهنگی ریشه‌دار تر و محکم‌تر هستند. این سازمان‌ها دارای رهبری فرهمند، ایدئولوژی سیاسی و سازمانی، عمق ژئوپلیتیک، حامی بین‌المللی، سابقه مبارزاتی و مداومت تاریخی می‌باشند. در بین احزاب و گروه‌ها و جریان‌های مختلف شیعی در ذیل به معرفی چهار جریان اصلی که در حوزه سیاست‌ورزی و همچنین محیط سیاسی شیعیان عراق تأثیر بالایی دارد اشاره می‌شود:

#### • حزب الدعوة اسلامی

این حزب را می‌توان پیش‌تازترین و قدیمی‌ترین جریان سیاسی-اسلامی شیعیان عراق برشمرد. این حزب نخستین شکل سیاسی تأثیرگذار و مهم شیعی بعد از انقلاب





۱۹۲۰ در عراق بود و تولد و تأسیس آن نیز به بحران گرایش‌های اسلامی عراق از دوره انقلاب ۱۹۲۰ تا سال ۱۹۵۸، یعنی سال تأسیس رسمی حزب الدعوة برمی‌گردد.<sup>۱</sup> از جمله مسائل و بحران‌هایی که محرک‌های اصلی تشکیل این حزب بودند عبارت‌اند از: آگاهی‌های محدود نسبت به بحران گرایش‌های اسلامی عراق در محافل حوزه‌های علمیه در دهه ۱۹۵۰ و در نتیجه شکل‌گیری و کوشش‌های بیدارگرانه جدید برای خطاهای انقلاب ۱۹۲۰ و پیامدهای آن؛ رواج مقوله جدایی دین از سیاست در بیشتر محافل دینی شیعه و منطق انفعال در جهان اسلام و در نتیجه درون‌گرایی حوزه‌های علمیه؛ رشد ناسیونالیسم عرب و فعالیت جریان مارکسیستی در سایه انفعال گرایش‌های اسلامی و شکل‌گیری پراکنده جنبش‌های اسلامی در جهان اسلام مانند اخوان المسلمین و در نتیجه افزایش آگاهی‌های شیعیان عراق.<sup>۲</sup>

در پیامد مجموعه عوامل فوق، برخی از روحانیون و شخصیت‌های شیعی عراق با درک مخاطرات فکری و سیاسی برای اسلام شیعی ضرورت انسجام فعالیت‌های دینی - سیاسی منظم را مطرح کردند. در نتیجه حزب الدعوة به عنوان جریان شیعی مهم با مشارکت شخصیت‌هایی مانند شهید سید محمدباقر صدر، صالح‌الدیب، آیت‌الله سید مرتضی عسکری و آیت‌الله قاموسی و شهید سید مهدی حکیم شکل گرفت.<sup>۳</sup>

حزب الدعوة مبارزاتی جدی در مقابل رژیم بعث داشت و با فروپاشی این رژیم و آغاز روند جدید دولت - ملت‌سازی در عراق، با مشارکت در عرصه سیاسی قدرت با شرایط عینی و وضعیت عملی روبه‌رو شد. بر این اساس بود که با توجه به شرایط و تحولات جدید و مقتضیات قومی و مذهبی عراق رویکردی عمل‌گرایانه در پیش گرفت و به عنوان جریانی اصلی در رقابت قدرت در این کشور در سه دوره متوالی با نخست‌وزیری ابراهیم جعفری و نوری مالکی، ریاست دولت را بر عهده گرفت. بخش عمده موفقیت حزب الدعوة ناشی از همکاری و هم‌گرایی آن در قالب ائتلاف گسترده شیعی، روابط و تعاملات با مرجعیت شیعه، بهره‌گیری از فضای روابط گروه‌های شیعی به خصوص اختلافات دو گروه عمده دیگر شیعی، یعنی مجلس‌اعلای اسلامی و جریان صدر، درک شرایط اجتماعی و سیاسی عراق، تلاش برای کارآمد و فراقرقه‌ای نشان دادن خود، انعطاف‌پذیری و تعاملات مثبت با گروه‌های داخلی و بازیگران خارجی بوده است.

۱. علی‌اکبر اسدی، همان، ص ۱۱۵.

۲. همان.

۳. سید حسین موسوی و عادل ادیب، حزب‌الدعوة/اسلامی عراق (پیشینه تاریخی و اندیشه سیاسی)، تهران، پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۳، ص ۱۲-۸.

### • مجلس اعلای اسلامی عراق

مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق که در دوره پس از صدام نام خود را به مجلس اعلای اسلامی عراق تغییر داد، در سال ۱۹۸۲ با همفکری سید محمدباقر حکیم و شماری دیگر از شخصیت‌های سیاسی اسلام‌گرای عراق مانند ابراهیم جعفری، سید محمود هاشمی و سید حسین صدر در ایران شکل گرفت. این مجلس متشکل از تعدادی از احزاب و جریان‌های شیعه معارض و حتی گروه‌ها و شخصیت‌های اسلام‌گرای کرد و سنی بود. هدف مجلس اعلا ایجاد وحدت و هماهنگی بین گروه‌های معارض اسلامی عراق در جهت اسقاط رژیم بعث و پیشبرد مسائلی مانند حل مشکلات آوارگان عراق بود. هر چند هدف وحدت و هم‌گرایی هرگز به صورت کامل محقق نشد، اما این تشکل در دوره صدام و بعد از صدام نقش مهمی در تحولات عراق ایفا کرد. رویکرد اساسی مجلس اعلا با توجه به اکثریت شیعی جمعیت عراق، پیگیری نهاده‌سازی فرآیندهای دموکراتیک در عراق می‌باشد. مجلس اعلا در دوره بعث از فعال‌ترین گروه‌های معارض بود که از جمله در انتفاضه شیعیان در جنوب عراق در سال ۱۹۹۱ نقش فعالی ایفا کرد و در نشست‌های گروه‌های معارض عراقی در دهه ۱۹۹۰ مشارکت جدی داشت. پس از سرنگونی رژیم صدام، سید محمدباقر حکیم رهبر مجلس اعلا، به عراق بازگشت و با استقبال کم‌نظیر عراقی‌ها مواجه شد. اما آیت‌الله حکیم چهار ماه پس از بازگشتش به عراق در ۲۹ اوت ۲۰۰۳ میلادی در نجف اشرف و پس از مراسم نماز جمعه به شهادت رسید. پس از شهادت آیت‌الله حکیم، سید عبدالعزیز حکیم، برادر وی، رهبری مجلس اعلا را بر عهده گرفت و با مشی خاص سیاسی خود توانست مجلس اعلا را در مقام گروهی تأثیرگذار باقی بگذارد.<sup>۱</sup>

### • جریان صدر

جریان صدر از رویکرد رادیکالی نسبت به سایر جریان‌های شیعی در محیط سیاسی شیعیان برخوردار است و به نوعی از روایت و قرائت خاصی تبعیت می‌کند. این جریان در دوره پس از صدام تحت رهبری مقتدی جوان قرار گرفت. وی جوان‌ترین فرزند آیت‌الله سید محمدصادق صدر است که توسط نیروهای امنیتی رژیم بعث در سال ۱۹۹۹ به شهادت رسید. اما شهرت و ظهور مقتدی صدر به عنوان رهبر یکی از جریان‌های سیاسی مهم عراق فقط بعد از سقوط رژیم بعث و ایجاد فضای مناسب برای فعالیت این گروه

۱. سیامک کاکایی، «شیعیان عراق؛ بررسی سیاسی شیعیان عراق و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران»، نمای راهبردی مرکز تحقیقات راهبرد دفاعی (۶)، ۱۳۸۶، ص ۱۱.

بود. پس از سقوط حکومت صدام، مقتدی صدر با برخی اقدامات گسترده، مؤسسات خیریه و دفاتر پدرش در شهرهای مختلف عراق را دوباره فعال ساخت و اشخاص مهم و تأثیرگذاری همچون شیخ محمد یعقوبی را که مقلد صدر پدر بود، سازماندهی و اطراف خود جمع کرد. سپس با تدوین مرامنامه‌ای که در آن بر لزوم تشکیل حکومتی بر اساس احکام اسلامی و اقامه حدود شرعی برای آینده عراق تأکید شده بود، وارد صحنه سیاسی و اجتماعی این کشور شد.<sup>۱</sup> این جریان دورویکرد متفاوت در عراق داشته است. یکی رویکرد مخالفت و چالش با دولت جدید و سایر بازیگران و اشغالگران در عراق، دیگری رویکرد مشارکت در قدرت سیاسی است که از زمان انتخابات پارلمانی دسامبر ۲۰۰۵ آغاز شد. از اقدامات مهم جریان صدر در دوره نخست، تشکیل واحد نظامی جیش‌المهدی جهت دستیابی به اهداف خود و مقابله با گروه‌های رقیب مانند سپاه بدر و همچنین نیروهای اشغالگر بود.

جریان صدر تا سال ۲۰۰۵ با اتخاذ استراتژی برهم زدن نظم امریکایی در عراق از مشارکت سیاسی خودداری می‌کرد و درگیری با اشغالگران را ترجیح می‌داد ولی بعد از این مقطع، استراتژی گروه صدر از تحریم روند سیاسی به مشارکت تغییر کرد و مورد توجه بخشی از جامعه شیعه عراق قرار گرفت. تا اینکه در جریان انتخابات پارلمانی دسامبر ۲۰۰۵ در قالب ائتلاف عراق یکپارچه توانست حدود ۳۳ کرسی پارلمان را به خود اختصاص دهد.<sup>۲</sup> در انتخابات شوراهای استانی سال ۲۰۰۹ در قالب فهرستی جداگانه مشارکت نمود و توانست ۴۱ کرسی از مجموع ۴۶۰ کرسی شوراهای استانی را به دست آورد. در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ در قالب ائتلاف ملی عراق مشارکت کردند و توانستند ۴۰ کرسی پارلمان را به دست آورند. در مجموع می‌توان گفت جریان صدر، جریانی با هویت پررنگ عربی و مذهبی و مبتنی بر توده‌های محروم و طبقه پایین جامعه شیعی است که سعی کرده است تا عملکردی ملی داشته باشد. این جریان بر مبارزه با اشغالگران در عراق تأکید دارد.

### ب. عوامل تضعیف‌کننده در محیط سیاسی شیعیان

عوامل و شرایط مختلفی در محیط سیاسی شیعیان عراق کارکرد سلبی و چالش‌ساز

۱. اردشیر پشنگ، «مقتدی صدر؛ موافق فدرالیسم در کردستان عراق»، ۱۹ بهمن ۱۳۸۹.

<http://ardesh:58.persianblog.ir.post.275>

۲. با این حال به تدریج با بروز اختلافاتی بین جریان صدر و مالکی از جمله در خصوص خروج نیروهای امریکایی و همچنین سرکوب جیش‌المهدی از سوی مالکی در بصره در سال ۲۰۰۷، وزرای این جریان (چند پست وزارتی و خدماتی بود) از کابینه مالکی خارج شدند و سپس صدی‌ها از ائتلاف عراق یکپارچه نیز کنار کشیدند.

را ایفا می کنند که در ذیل به مهم ترین آن اشاره می شود:

۱. رادیکالیسم سنی و اتخاذ راهبردهای امنیتی علیه شیعیان؛ اهل سنت به دلیل در اختیار داشتن حاکمیت چه در دوره عثمانی و چه بعد از استقلال عراق، بعد از سقوط صدام و اشغال این کشور توسط امریکا تصور می کردند که امریکا در صدد واگذاری حاکمیت به اکراد و شیعیان است، لذا فقط گروه محدودی از آنان از جمله حزب اسلامی و چند گروه کوچک دیگر، آن هم با شرط و شروط فراوان در روند سیاسی شرکت جستند و بقیه رویکرد مخالفت با امریکا و عدم مشارکت در روند سیاسی و اقدام مسلحانه علیه امریکا و دولت نوپای عراق را در پیش گرفتند و در طول چند سال بعد از سقوط نظام بعثی، با تشکیل گروه های مختلف به اقدام مسلحانه دست زدند و با کمک گرفتن از گروه القاعده، یکی از کم نظیر ترین نا امنی های دهه های اخیر را در عراق رقم زدند.

بنابر این اولین اقدام افراط گرایانه اهل سنت روی آوردن به عملیات تروریستی بود. افراط گرایان تندرو وهابی و وابسته به القاعده نیز شروط عراق را مناسب تشخیص داده و وارد این کشور شدند و در پیوند با بقایای رژیم گذشته و تشکیل گروه های مختلف، رویکرد خطرناک طایفه گری و تلاش برای جنگ مذهبی در این کشور را در پیش گرفتند. بنابر این از سال ۲۰۰۳ به بعد در میان اهل سنت گروه های تندرو و سلفی و تکفیری فراوانی از جمله ابناء اسلام، اجناد الاسلام، امنای بیداری، انصار الاسلام، انصار الجهاد فی العراق، امارات عراق اسلامی، انصار ابن تیمیه، گروه آزادی بخش عراق (جامع)، جبهه آزادی بخش ملی عراق،<sup>۱</sup> جماعت اسلامی مسلح (شاخه فلوله) جماعت سلفی - المجاهده، جندالشام، جندالصحابه، جندالله، گروه ارتش اسلامی عراق، شورای مجاهدین عراق، گردان های ابو حفص مصری، ارتش اسلامی در عراق،

۱. معروف ترین گروه سلفی - تکفیری عراق است که انواع و اقسام عملیات تروریستی را انجام داده است. ابومصعب الزرقاوی احمد فاضل نزال الخلايله مؤسس گروه مزبور است. این گروه در ادامه فعالیت خود به «القاعده فی البلاد الرافدین» تغییر نام داد و در مسیر مرحله تکمیلی خود پایه گذار اصلی دولت اسلامی عراق شد. زرقاوی در تاریخ ۲۰۰۴/۱۰/۸ پس از حدود یک سال فعالیت در عراق طی بیانیه ای با بن لادن رهبر گروه القاعده بیعت کرد. زرقاوی جنایت های زیادی در حق مردم عراق انجام داد تا اینکه در تاریخ ۷ ژوئن ۲۰۰۶ در حمله هوایی نیروهای امریکایی در خانه ای در نزدیکی شهر دیالی عراق کشته شد. ابوعبدالرحمن عراقی معاون زرقاوی بعد از وی رهبری گروه را بر عهده گرفت. از جمله عملیاتی که این گروه در مورد شیعیان انجام داده می توان انفجار مسجد امام علی (ع) در نجف در ۲۹ اوت ۲۰۰۳ بر اثر حمله انتحاری که سید محمدباقر حکیم، رئیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق و ۸۲ تن دیگر طی آن شهید شدند، نام برد؛ همچنین حمله به عزاداران عراقی در عاشورای سال ۲۰۰۴ در کربلا و بغداد که طی آن ۱۷۰ تن شهید و ۵۵۰ نفر مجروح شدند. البته طبق گفته موفق الربیعی مشاور امنیت ملی عراق، این گروه مسئول انفجار مرقد امام هادی (ع) و امام عسکری (ع) در سامرا در فوریه سال ۲۰۰۶ بوده است.

اختلاف بین گروه‌های شیعیان؛ یکی از مسائلی که در محیط سیاسی شیعیان عراق کارکرد منفی داشته، اختلاف بین گروه‌های شیعی است. این اختلافات گاه‌به‌قدری عمیق پیدا می‌کند که زمینه برای بهره‌برداری نیروهای رقیب شیعیان از جمله سنی‌ها، کردها و حتی نیروها و بازیگران خارجی حوزه عراق را فراهم می‌کند.

جبهه اسلامی مقاومت عراق، ارتش راشدین و ارتش مجاهدین اعلام موجودیت کردند.<sup>۱</sup> خصوصیت مشترک همه آنها تندروی و توسل به ترور و خشونت برای رسیدن به اهداف است. این گروه‌ها اقدامات، عملکرد و خط مشی اعتقادی و مبارزاتی خود را بر اساس آثار و آرای اندیشمندان و فقهای اهل سنت مثل ابن تیمیه، ابن حزم، حمد بن عتیق نجدی، شیخ بن باز، مهلب، ابن منیر و... پایه‌گذاری کردند.

این عوامل یکی از مؤثرترین عوامل محیط سیاسی شیعیان عراق است که تأثیر مخرب و چالش‌گر دارد و بخش عظیمی از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های محیط سیاسی شیعیان توسط این‌ها به هدر می‌رود.

۲. ناسیونالیسم کردی واگرا؛ کردها به عنوان بزرگ‌ترین اقلیت غیر عرب، حدود یک پنجم جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند<sup>۲</sup> که در استان‌های سلیمانیه، اربیل، دهوک و موصل سکونت دارند. از زمان شکل‌گیری دولت مدرن، مسئله کردها (کردستان بزرگ) و هویت‌طلبی این اقلیت قومی برای دولت‌های عراق، همواره مشکل‌ساز بوده است؛ تا بدانجا که در مواقعی کلیت نظام و تمامیت ارضی آن را به چالش طلبیده و تلاش دول مختلف جهت «ادغام فرهنگی و همانندسازی» تا زمان سقوط نظام بعثی نتیجه‌ی پایداری نبخشیده است.

کردها که از سابقه حزبی طولانی برخوردار هستند و از سال ۱۹۹۱ تحت حمایت بین‌المللی در سه استان کردنشین شمال عراق شامل اربیل، سلیمانیه و دهوک حکومت محلی تشکیل داده بودند، تغییر رژیم را فرصت تاریخی برای دستیابی به اهداف خود ارزیابی کردند. آنها با اینکه قبل از این حاضر به مصالحه با رژیم در مقابل اخذ خودمختاری در سه استان مزبور بودند، سقف خواسته‌های خود را افزایش داده و بعد از آنکه مطمئن شدند ایالات متحده آمریکا تصمیم به سرنگونی صدام گرفته است برخلاف محافظه‌کاری گذشته در تعامل با رژیم به همکاری همه‌جانبه با آمریکا روی آوردند و با سقوط رژیم، پیش‌مرگان کرد وارد بغداد و شهرهای مهم عراق شده و در نهایت در

۱. علی گلچین، همان، ص ۲۷.

۲. آلاسدر درایسدل و جرالداچ، بلیک، *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*، ترجمه دره میر حیدر، تهران، مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، ۱۳۶۹، ص ۲۱۳.

راستای اهداف و اگر ایانه خود از ظرفیت‌های امریکا بهره بردند. کردها در روند تصویب قانون اساسی عراق نیز تأثیر گذاری خود را حفظ کرده تا جایی که نظام حکومتی عراق، نظام پارلمانی دموکراتیک و فدرالی تصویب گردید (ماده ۱) و زبان کردی در کنار زبان عربی به عنوان زبان‌های رسمی عراق به رسمیت شناخته شد. علاوه بر آن به مناطق و اقلیم (اقلیم کردستان) اجازه داده شده است که برای نهادهای قانون گذاری، اجرایی و قضایی به همراه تدوین قانون برای اداره منطقه مبادرت شود. کردها از این ظرفیت استفاده کرده و قانون اساسی خود را طوری تدوین نموده‌اند که عملاً ایجاد کشور مستقل را هدف قرار داده است. افزایش اختیارات برای اقلیم که هم اکنون فقط در کردستان عراق عینیت دارد، بی شک برای حکومت مرکزی عراق مشکلاتی را ایجاد کرده و خواهد کرد. از هم اکنون بین حکومت مرکزی عراق و اقلیم کردستان بر سر نحوه بهره‌برداری از نفت اختلافاتی بروز کرده و در سفارتخانه‌های عراق در سراسر جهان دفاتر پیگیری امور فرهنگی و اجتماعی اکراد دایر شده است. با این شیوه کردها عملاً در صحنه روابط خارجی نیز فعال شده‌اند. علاوه بر این، در برخی کشورها مانند سوئیس و غیره با نصب پرچم کردستان عملاً روند استقلال خود از عراق را تعقیب می‌کنند.

یکی از مسائلی که بین حکومت عراق با کردها به صورت جدی چالش ساز شده بحث منطقه کرکوک است که همواره مورد توجه کردهاست.

به هر حال مسئله کنونی عراق و به خصوص دولت شیعی به هر سرانجامی که برسد، کردها اولین استفاده کننده عملی آن محسوب می‌گردند و جنبش کردی در منطقه شاهد رشد و شکوفایی قابل توجهی است. به ویژه که این روند در مقایسه با سایر دستاوردهای کردها در طول تاریخ از عمق بیشتری برخوردار است و از فرصت زمانی و ماندگاری زیادی بهره می‌برد تا جایی که کردها نه تنها فکر بازگشت به عقب را به خود راه نمی‌دهند، بلکه به جایی رسیده‌اند که خود را در یک قدمی استقلال کامل احساس می‌کنند و در عراق سعی می‌نمایند با ایجاد تعادل منفی بین گروه‌های شیعی و سنی، اهداف خود را دنبال نمایند و از این جهت اسرائیل نیز با حضور ملموس خود در کردستان عراق به این مسئله دامن می‌زند.

۳. اختلاف بین گروه‌های شیعیان؛ یکی از مسائلی که در محیط سیاسی شیعیان عراق کارکرد منفی داشته، اختلاف بین گروه‌های شیعی است. این اختلافات گاهاً به قدری عمق پیدا می‌کند که زمینه برای بهره‌برداری نیروهای رقیب شیعیان از جمله

علائم محیطی بیانگر این است که کشورهای عربی و سنی منطقه، شبیه سازی بخشی از بحران سوریه در عراق را مدنظر دارند؛ البته با این تصور که دولت عراق از شکنندگی بالایی برخوردار است و قبل از همه گیر شدن بحران تسلیم خواهد شد

سنی ها، کردها و حتی نیروها و بازیگران خارجی حوزه عراق را فراهم می کند. اختلاف جریان صدر با دولت نوری مالکی که در یک برهه ای منجر به درگیری هم شد یا اختلاف جریان صدر با مجلس اعلاى اسلامى مبين این است که یک ناهماهنگی راهبردی و دارای پایه های نظری بین این گروه وجود

دارد. برای نمونه جریان صدر برخلاف حزب الدعوه مجلس اعلاى اسلامى عراق که پیوندها، روابط و رویکردهای مثبتی در قبال مرجعیت شیعی دارند، از تعاملات مناسبی با مرجعیت شیعی در نجف برخوردار نبوده است. حتی درگیری هایی بین هواداران این جریان و اطرافیان مراجع شیعی ایجاد شده است. جریان صدر با تقسیم حوزه های علمیه به دو حوزه «ناطقه» (به معنای گفت و گو) و «صامت» (به معنای ساکت) خود را نماینده منحصر به فرد حوزه ناطقه معرفی می کردند و سایر بیوت و حوزه ها را به خاطر سکوت در مورد مسائل و امور سیاسی مورد سرزنش قرار دادند.

البته اختلافات در جامعه شیعه عراق فقط منحصر به سه گروه معروف نیست، بلکه ظهور و بروز اندیشه های مختلف در جامعه شیعه عراق که بیشتر پشتیبان خارجی دارد بر همیشگی آنها آسیب می زند. برای نمونه ظهور اندیشه سکولاریسم و همچنین ناسیونالیسم عربی در بین شیعیان که مورد حمایت مجموعه غرب و همچنین کشورهای عربی است، که محیط سیاسی شیعیان را دچار آسیب پذیری های جدی می نماید.

۴. عوامل منطقه ای و فرامنطقه ای محدود کننده؛ منظور از عوامل منطقه ای، کشورهایی است که در محیط سیاسی عراق و به خصوص شیعیان نقش سلبی بازی کرده و اقتدار شیعیان بر عرصه سیاسی عراق را چالشی می سازند که در ذیل به چند بازیگر عمده اشاره می شود:

#### • رژیم سعودی

رویکرد رژیم سعودی در قبال شیعیان به صورت تاریخی سلبی و حتی مغرضانه بوده است. این کشور که حامی ایدئولوژی سلفی و وهابی است، مبارزه با تشیع را نسبت به جریان های صهیونیسم بین الملل و استعمارگران مسیحی و غرب در اولویت قرار می دهد. البته بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، عربستان عملاً با ایدئولوژی انقلابی منبعث از مذهب تشیع در هر کجای جهان اسلام به مبارزه برخاسته است و این رویکرد در حوزه

روندهای موجود بیانگر این است که سیاست‌های دولت خودمختار اقلیم کردستان عراق موافق دولت شیعی و مخالف عرب‌های سنی اتخاذ نخواهد شد. بلکه با امتیازدهی به ترکیه و تعامل با برخی از بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی حوزه عراق، سعی خواهد کرد با رویکرد واگرایانه، در مقابل اقتدار حاکم به نقش سلبی خود ادامه دهد.

عراق بیشتر صدق می‌کند. سیاست خارجی عربستان سعودی پس از سرنگونی صدام و تحولات آن، به ملاحظات متعدد در سطوح مختلف مربوط می‌شود. تغییرات مربوط به ساختار قدرت و الگوی حکومت‌داری در داخل عراق، ملاحظات مبتنی بر تداوم توازن قدرت منطقه‌ای و دیدگاه سعودی‌ها در خصوص اهداف و مقاصد امریکا در عراق، اصلی‌ترین مؤلفه‌هایی هستند که سیاست

خارجی عربستان و تحولات آن در قبال عراق پس از صدام را تبیین می‌کنند. ایجاد ساختار جدید سیاسی مبتنی بر شیوه‌ها و هنجارهای دموکراتیک، به قدرت‌یابی گروه‌های شیعی و کرد در عراق و ظهور الگوی نوینی از حکومت‌داری در این کشور منجر شد. این مسئله با توجه به ساختار اقتدارگرا و غیر مشارکتی سعودی‌ها و تحریک تقاضاهای اقلیت شیعی سعودی باعث واکنش‌هایی منفی و نگرانی‌هایی در میان افکار عمومی و دولت سعودی شده است. ایجاد دولت تحت تسلط شیعیان و نزدیک به ایران، زمینه‌هایی را برای برهم خوردن توازن قوای منطقه‌ای به زیان عربستان سعودی ایجاد کرده است. سیاست‌های امریکا در خاورمیانه، که در جهت تغییرات و اصلاحاتی عمده در خاورمیانه بود و تغییر رژیم بعث نخستین مرحله از این سیاست‌ها تلقی می‌شد، احساس آسیب‌پذیری دولت سعودی و فشارهای پیرامونی معطوف به آن را افزایش داد.<sup>۱</sup> مجموعه مؤلفه‌های فوق باعث ارزیابی منفی سعودی‌ها از شرایط عراق پس از صدام شده است و مقامات عربستان ساختار جدید قدرت در عراق و پیامدهای استراتژیک منطقه‌ای آن را به عنوان عامل عمده تغییر وضع موجود و ثبات در محیط پیرامونی خود تلقی می‌کنند. بر این اساس سعودی‌ها با اعمال فشار و مخالفت با دولت عراق و از سوی دیگر به واسطه تعامل بیشتر با گروه‌های سنی و دولت امریکا، مانع از تحکیم ساختار جدیدی از قدرت داخلی و منطقه‌ای می‌شوند. قرائن و شواهد حاکی است رویکرد منفی و مخالفت سعودی‌ها با روند سیاسی عراق پس از صدام، تا زمانی که نوعی از ساختار سیاسی متوازن تر نسبت به وضعیت کنونی و در راستای مهار قدرت شیعی در عراق

۱. علی‌اکبر اسدی، عربستان سعودی و عراق پس از صدام، (پژوهش ۱۲) مجموعه مقالات با عنوان «عراق پس از صدام و بازیگران منطقه‌ای»، پژوهش‌های تحقیقات استراتژیک، بی تا، ص ۱۰۱.



ایجاد شود و کشور عراق در تعاملات منطقه‌ای به رقابت تاریخی خود با ایران باز گردد، ادامه پیدا خواهد کرد؛ امری که محیط سیاسی شیعه را سخت متأثر ساخته و روندهای ثبات‌ساز را با چالش مواجه کرده است.

#### • ترکیه

از زمان تأسیس جمهوری نوین ترکیه، این کشور همواره به شمال عراق به چشم فرصت و منفعت نگاه می‌کرده است و در عین حال این منطقه را دارای پتانسیل تهدیدآمیزی نسبت به تمامیت ارضی خود می‌بیند. حمله آمریکا به عراق و تغییر رژیم این کشور، شرایط جدیدی را فراهم آورده است تا ترکیه با حساسیت بیشتری تحولات این منطقه را دنبال کند.<sup>۱</sup> ترک‌ها از این زاویه سیاست خود را در عراق دنبال می‌کردند، و به همین خاطر مخالف فدرالیسم یا تجزیه عراق بودند و وجود دولت متمرکز با رویکرد ناسیونالیسم ملی - عربی را برای منافع ملی و راهبرد منطقه‌ای خود مناسب می‌دیدند.<sup>۲</sup> ترک‌ها با این رویکرد در سال‌های نخست پس از صدام تعاملات سازنده‌ای را با تمام گروه‌های عراقی برقرار نمودند و در تحکیم دولت عراق که از شیعیان بود، نقش ایجابی داشتند. حتی در ترغیب و جذب گروه‌های سنی به مشارکت فرآیندهای سیاسی در حد و وسع نفوذ خود اقدامات ارزشمندی انجام دادند.<sup>۳</sup> ولی این رویکرد ترکیه در سال‌های اخیر، به خصوص بعد از انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰ عراق دستخوش تحول گردید و ترک‌ها تقویت یک دولت شیعی در عراق را مغایر با منافع منطقه خود تعریف کردند و اقداماتی جهت تضعیف آن برداشتند.

ترکیه در رویکرد اخیرش نسبت به دولت شیعی عراق چند ملاحظه داشته است که در ذیل اشاره می‌شود:

- ترکیه تقویت دولت شیعی در عراق را عمق ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران می‌داند که با مدیریت خط مقاومت در منطقه، در خاورمیانه به بازیگر تعیین‌کننده تبدیل شده است. به باور اکثر رقبای منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، اگر عراق با آن ظرفیت‌های انسانی، جغرافیایی و اقتصادی (دارای منابع غنی نفت) به متحد راهبردی ایران تبدیل شود، نفوذ منطقه‌ای ایران قابلیت هژمونیک پیدا خواهد کرد و از طرفی ژئوپلیتیک

۱. رحمن قهرمان‌پور، سیاست ترکیه در قبال عراق پس از صدام (پژوهش ۱۲) مجموعه مقالات با عنوان «عراق پس از صدام و بازیگران منطقه‌ای»، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، بی‌تا، ص ۵۲.

۲. رک: رحمت‌الله فلاح، «تقابل و تعامل ترکیه و ایران در عراق»، مطالعات سیاسی، س ۱۱، ش ۴۳، بهار ۹۱.

3. Bulent Aras "Davutoglu Era in Turkish Foreign policy" SETA, may 2009, brief No:32

(www.setav.org)

شیعی منطقه که غربی‌ها و عرب‌ها با اصطلاح «هلال شیعی» خطاب می‌کنند، در عرصه منطقه‌ای معادلات قدرت را تعیین خواهد کرد.

- ترکیه تلاش می‌کند منافع کشورهای سنی عربی را در عراق تأمین نماید. چون هیچ کدام از کشورهای عربی ظرفیت لازم برای مدیریت تحولات سیاسی عراق را ندارند، ترک‌ها با توجه به روابط راهبردی‌شان با مجموعه غرب و همچنین قابلیت‌هایشان در حوزه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی، به عنوان یک کشور سنی، تلاش می‌کنند بالانس لازم را بین منافع سنی - عربی و ایران شیعی به وجود آورند و در این راستا در تقویت سنی‌ها از پتانسیل‌های مادی کشورهای عربی منطقه بهره می‌برند و محیط سیاسی شیعیان و دولت برآمده از آن را چالشی می‌سازند.<sup>۱</sup>

- ترکیه نقطه آسیب‌پذیر خود در عراق را اقلیم کردستان عراق می‌داند؛ سال‌های اولیه سرنگونی صدام، یک نقش سلبی و سیاست انکار و محدودکننده را در قبال روندهای تقویت‌کننده این منطقه می‌گرفت، ولی از سال ۲۰۰۷ به بعد به این نتیجه رسیده است که تقویت و استحکام دولت خودمختار اقلیم کردستان پشتیبانی بین‌المللی دارد و غرب و در رأس آن امریکا خدمات امنیتی مستمر در اختیار این اقلیم قرار می‌دهد تا در نهایت الگویی از خودگردانی کردی را در منطقه به نمایش گذارد. از آن سو ترک‌ها هم مقاومت منفی خود را به صلاح منافع خود ندانسته و با تغییر سیاست خود، به همکاری در سطوح مختلف با رژیم اقلیم کردستان عراق نموده‌اند. امروزه ترک‌ها از این فاکتور هم در جهت محدود نمودن میدان عمل شیعیان و دولت شیعی بهره می‌برند. البته ترکیه تلاش می‌کند گسست‌های تاریخی که بین اعراب سنی و کردهای عراق که اکثریت آن سنی مذهب هستند، کمرنگ و در صورت امکان ترمیم نماید تا از این طریق وزن سیاسی سنی‌ها را در حاکمیت عراق پررنگ کند.

#### • سایر کشورهای عربی

شیعیان عراق هم اکنون به عنوان مرکز تأثیرگذار در هویت و رفتارهای سیاسی سایر شیعیان عرب محسوب می‌شوند. به همین دلیل کشورهایمانند اردن، امارات عربی متحده و مصر نسبت به فضای موجود عراق نگران هستند؛ زیرا موج ایجادشده در عراق می‌تواند سایر کشورهای عرب حوزه خلیج فارس را نیز تحت تأثیر قرار دهد. طی سال‌های گذشته، شیعیان آموخته‌اند که از الگوی متقاعدسازی مسلمانان سنی استفاده

۱. رک: رحمت‌الله فلاح، «سیاست خارجی ترکیه و تحولات انقلابی جهان عرب»، مطالعات راهبردی جهان اسلام، س ۱۲، ش ۴۶، تابستان ۱۳۹۰، ص ۲۵۳-۲۳۱.



کنند. آنان می‌کوشند تا حسن نیت خود را به مسلمانان اهل تسنن اثبات کنند.<sup>۱</sup> به رغم روند یادشده، می‌توان نشانه‌هایی از تداوم ستیز کشورهای منطقه نسبت به شیعیان را ملاحظه کرد.

در دوران گذشته، کشورهای حوزه خلیج فارس، هویت خود را از طریق ویژگی کشورهای متعارض خود تعریف می‌کردند. در دهه ۱۹۸۰، تمام کشورهای عرب حوزه خلیج فارس از عراق در برابر ایران حمایت کردند. آنان ایران را دشمن خود تلقی کردند و از این طریق به هویت‌سازی پرداختند. در این دوران، ناسیونالیسم عربی محور اصلی جدال‌گرایی علیه ایران محسوب می‌شد.

تحولات عراق، قواعد و الگوی روابط منطقه‌ای اعراب را دگرگون کرد. به قدرت رسیدن شیعیان در عراق به ظهور دومین کشور شیعه در منطقه منتهی شد. این امر با توجه به عرب بودن شیعیان عراقی، زمینه مناسب‌تری برای هویت‌یابی شیعیان در تمام کشورهای حوزه خلیج فارس به وجود آورد. هم‌اکنون، واحدهای سیاسی حوزه خلیج فارس و همچنین شهروندان آنان با پدیده جدیدتری روبه‌رو شده‌اند. آنان ناچارند شرایطی را مورد توجه قرار دهند که بیان‌کننده وجود دو کشور شیعی در شمال خلیج فارس است. در این وضعیت، گروه‌های شیعی به شکلی اجتناب‌ناپذیر از انگیزه لازم برای هویت‌یابی برخوردارند. اگرچه آنان مرجعیت یکسان ندارند و به دال‌های گفتمانی متفاوتی وابسته‌اند، واقعیت‌های جدید بیان می‌کند که هویت‌یابی شیعیان بر فرآیندهای سیاسی کشورهای حوزه خلیج فارس تأثیر خواهد گذاشت و گستره و شدت مقاومت شیعی در برابر رژیم‌های سیاسی موجود در تمام کشورها افزایش خواهد یافت.

#### • امریکا

یکی از اهداف و ابعاد اصلی حمله امریکا به عراق تبدیل این کشور به بازیگری توازن‌بخش در مقابل ایران بود. قبل از آغاز جنگ عراق، دیدگاه متعارف میان مقامات امریکایی این بود که به قدرت رسیدن شیعیان در عراق ممکن است سبب رقابت مذهبی این کشور با ایران به ویژه میان قم و نجف شود؛ اما روابط دو کشور در سال‌های گذشته حاکی از همکاری و تقویت تعاملات و پیوندها بوده است.<sup>۲</sup> یعنی شکل‌گیری ساختار جدیدی از قدرت در عراق و روند نزدیکی و هم‌گرایی ایران و عراق سبب ایجاد نوع جدیدی از ترتیبات امنیتی در سطح منطقه شده است. امریکا برای محدودسازی

۱. طاهره ترابی، «شیعیان حاشیه‌ای و استراتژی تغییرات هویتی»، *مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام*، س ۷، ش ۲۸، ۱۳۵۸، ص ۱۰۱.

2. Vali Nasr, "When the shiits Rise", *Foreign Affairs*, July/August 2006, p. 7.

تحولات ناشی از سقوط رژیم صدام حسین و خروج شیعیان از تنگنای ژئوپلیتیک به صورت بارزی نقش ژئوپلیتیک شیعیان در عراق را ارتقا بخشیده است. اکثریت مجلس نمایندگان، پست نخست‌وزیری و بسیاری از پست‌های دولتی برخلاف دوران گذشته اکنون در اختیار شیعیان قرار دارد

ایران در عراق، به دنبال پیگیری نوعی موازنه قدرت بین گروه‌های سیاسی عراق و نهادینه ساختن دموکراسی توافقی برای محدودسازی گروه‌های شیعی است که امریکا آنها را به عنوان گروه‌های متحد و در پیوند با جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌کند.

توازن‌سازی و محدودسازی گروه‌های شیعی در عرصه سیاست و قدرت به شیوه‌های مختلف مورد توجه امریکا بوده است؛ از جمله موازنه‌سازی نهادی

و ایجاد نوعی سیستم سیاسی که بدون توافق و امتیازدهی به گروه‌های اقلیت نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. ایجاد چندپارگی و کاهش انسجام داخلی بین گروه‌های شیعی و تقویت گروه‌های رقیب از جمله سنی‌ها، بعثی‌ها و سکولارها در مقابل گروه‌های شیعی و تأکید بر راهبردهای سیاسی به جای راهبردهای نظامی از محورهای مهم دیگر امریکا است؛ به عبارتی هر چند امریکا مجبور شد به دلیل رفتارهای داخلی، به خصوص درخواست‌های رهبران شیعی و مراجع، از دموکراسی حداقلی اولیه صرف نظر کند و به دموکراسی مبتنی بر انتخابات سراسری رضایت دهد، اما در داخل ساختار دموکراتیک متنوع و چند قومی - مذهبی عراق سعی کرده است با استفاده از شکاف‌های داخلی، منافع و اهداف خود را پیش ببرد. ایجاد موازنه در مقابل گروه‌های شیعی نزدیک به ایران و تقویت گروه‌ها و شخصیت‌های همسوی امریکا و مخالف ایران از جمله تلاش‌های این کشور در این راستا بوده است.<sup>۱</sup>

البته امریکا در کنار اقدامات مذکور، در پی ایجاد روابطی راهبردی در ابعاد مختلف و وارد ساختن این کشور به جرگه متحدین خود در خاورمیانه است؛ در این راستا علاوه بر انعقاد توافق‌نامه راهبردی، سعی کرده است با توسعه سفارتخانه و کنسولگری‌های خود در عراق تأثیرپذیری بر ساختارهای داخلی عراق را به منظور جبران کاهش حضور نظامی خود افزایش دهد و از سوی دیگر برای ایجاد توازن در مقابل ایران، حضور و مشارکت متحدین عرب منطقه‌ای خود برای حضور و تأثیرگذاری گسترده‌تر در عراق را تشویق می‌کند؛ امری که در مجموع در محیط سیاسی شیعیان نقش بازدارنده و منفی

1. <http://meria.inc.a.c.il/journal/2005/issu/IVgNoa.html>. (Michael Rubin. "The Futher of Iraq" Democracy, Civil or chaos ?")

دارد.

## روندشناسی تحولات در محیط سیاسی شیعیان عراق

با توجه به عوامل و شرایط محیط سیاسی شیعیان عراق که به صورت عامل تقویت کننده یا تضعیف کننده نقش آفرینی می کنند مجموعاً در خلق برخی روندها یا در تقویت یا تضعیف برخی روندهای دیگر نقش اساسی داشته است. در ذیل به چند روندی که به صورت جدی شکل گرفته یا در حال قدرتمند شدن است اشاره می شود:

### نخست، الگوسازی تحولات انقلابی کشورهای عربی در عراق

مجموعه بازیگران داخلی و منطقه‌ای، حتی فرمانطقه‌ای در عرصه عراق به این نتیجه می‌رسند که مؤلفه‌های قدرت جامعه شیعیان عراق نسبت به سایر گروه‌های قومی و مذهبی قوی‌تر است؛ به همین جهت تقویت روندها و مکانیسم‌های دموکراتیک منجر به نهادینه شدن اقتدار شیعیان و به حاشیه رانده شدن سنی‌ها می‌گردد و از طرفی شیعیان عراق و دولت برآمده از اراده آنها حاضر نمی‌شوند که یکی از مهمترین مؤلفه‌های قدرت خود را که حمایت جمهوری اسلامی ایران است از دست بدهند؛ به همین جهت در تلاش برای ایجاد روندی جدید با ماهیت شورشی جامعه سنی علیه دولت شیعی هستند. آنها حتی پا را از آن فراتر گذاشته و در صدد تئوریزه نمودن تجزیه عراق و ایجاد حکومت سنی‌نشین در جغرافیای این کشور هستند.<sup>۱</sup>

علائم محیطی بیانگر این است که کشورهای عربی و سنی منطقه، شبیه‌سازی بخشی از بحران سوریه در عراق را مدنظر دارند؛<sup>۲</sup> البته با این تصور که دولت عراق از شکنندگی بالایی برخوردار است و قبل از همه‌گیر شدن بحران تسلیم خواهد شد.

### دوم، نقش آفرینی فرصت طلبانه اقلیم کردستان در مقابل دولت شیعی عراق

کردهای عراق دارای سابقه و مداومت تاریخی در مبارزه با رژیم عراقی هستند و این مبارزه در دوره صدام به نقطه حساس خود رسیده بود که با سرنگونی صدام و همکاری همه‌جانبه آنها با آمریکا، موقعیت آنها را به نقطه بی‌بازگشتی رساند. دولت اقلیم در سال‌های اولیه عراق پس از صدام سیاست‌های خود را همسوا با شیعیان تعریف می‌کردند، ولی از سال ۲۰۱۰ به این طرف نقش کارکردی خود را باز تعریف نموده و در صدد تضعیف وحدت ارضی عراق و ایجاد موازنه منفی بین دو گروه مذهبی شیعه و

1. [www.irandiplomasy.com](http://www.irandiplomasy.com). (91/11/6)

2. Bilgay Duman "Irak'ta Sünni Ayaklanması: Yeni Dönemin Başlangıcı mı?"

<http://www.orsam.org.tr/tr/yazigoster.aspx?ID=4234> (مطالعات استراتژیک خاور میانه ترکیه)

سنی در عراق می‌نمایند تا از این طریق در گرفتن امتیاز از دولت مرکزی، به ویژه در مورد وضعیت کرکوک و استخراج و صادرات نفت اقلیم، وضعیت پیش‌مرگان و اختصاص سهم بیشتر از بودجه عراق به اقلیم دست بالایی را داشته باشد.

روندهای موجود بیانگر این است که سیاست‌های دولت خودمختار اقلیم کردستان عراق موافق دولت شیعی و مخالف عرب‌های سنی اتخاذ نخواهد شد. بلکه با امتیازدهی به ترکیه و تعامل با برخی از بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی حوزه عراق، سعی خواهد کرد با رویکرد واگرایانه، در مقابل اقتدار حاکم به نقش سلبی خود ادامه دهد.

### سوم، اختلال در روندهای هویت‌یابی مذهبی شیعیان

بسترهای فکری و فرهنگی جامعه شیعی عراق هم به مانند سایر جوامع متنوع و دارای عمق تاریخی است که در قالب‌های مختلف می‌توان آنها را دسته‌بندی نمود. در سال‌های اخیر اکثر تمایلات کنش‌گران در محیط سیاسی شیعیان عراق مذهب گرا بوده است. این گرایش تا حدودی چشمگیر بود و مطالبات سیاسی و اجتماعی آنها را پس از سقوط صدام پاسخ می‌داد ولی در شرایط کنونی بازیگران داخلی و خارجی حوزه عراق تلاش می‌کنند روندهای هویت‌یابی سیاسی شیعیان را دستخوش تحولات نمایند؛ در این بین از روش‌های مختلف بهره می‌برند؛ از مهم‌ترین آنها، بازتعریف از ناسیونالیسم عربی در قالب ناسیونالیسم میهنی است؛ ناسیونالیسم عربی در منطقه بعد از حمله عراق به کویت با چالش راهبردی مواجه شده بود تا اینکه بعد از حمله آمریکا به عراق عملاً ناکارآمدی خود را نشان داد. عراق به عنوان مهم‌ترین کشور عربی از ماهیت عربی به ماهیت مختلط عربی، کردی و شیعه-سنی تبدیل شد؛<sup>۱</sup> البته در حال حاضر اکثر ناسیونالیست‌های عرب به نوعی به ناسیونالیسم‌های محلی و ملی خود گرایش پیدا کردند. در این بین منافع کشورهای عربی که اکثر اُسنی‌مذهب هم هستند بر این محور سیاست‌گذاری شده است که زمینه‌های ناسیونالیسم عربی را این بار با تقویت ناسیونالیسم ملی عراقی در مقابل هویت مذهبی شیعی مدیریت نمایند. در این گزاره شاخصه‌های چندی می‌تواند دخیل باشد که مهمترین آنها تقویت گرایش‌های سکولاریستی در جامعه شیعی و کم‌رنگ نمودن جایگاه علمای شیعی غیر عرب از جمله آیت‌الله سیستانی، تبلیغ تئوری ژئوپلیتیک پرتنش و رقابت‌ز بین ایران و عراق، احیای جایگاه عراق در اتحادیه اعراب و نظام‌های سیاسی و امنیتی آن و... است که این موارد مجموعه روندهایی است که در سال‌های آینده سرعت بیشتری خواهد یافت و پیامد و تأثیرات خود را در محیط سیاسی

۱. عباس نجفی فیروزجانی، «نگاه اعراب به ایران»، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۹.

شیعیان عراق خواهد گذاشت.

## سرانجام سخن

در طول تاریخ معاصر، اکثریت شیعه در عراق همواره تحت ظلم و سيطرة حکام قرار داشته‌اند؛ به ویژه طی جنگ هشت ساله عراق با جمهوری اسلامی ایران، دستگیری، شکنجه و اعدام شیعیان مخصوصاً رهبران شیعی در سطح گسترده‌ای از سوی رژیم بعثی صدام حسین رخ داد و هزاران نفر شهید، تبعید یا اخراج شدند.

با این حال حکام عراق طی سال‌های پس از استقلال از گسترش و حاکمیت تفکر شیعیان در این کشور نگران بوده و تلاش نموده‌اند رهبران شیعه را به هر نحو ممکن کنترل کنند یا از میان بردارند. یکی از رهبران مؤثر شیعی در عراق سید محمدباقر صدر بود که طی همکاری اطلاعاتی رژیم صدام حسین با سایر دول عربی ر بوده و از صحنه اجتماعی و سیاسی عراق حذف گردید. در واقع حاکمان عراق بر قدرت نافذ شیعیان واقف بوده و اقدامات مؤثری جهت کنترل و تضعیف آن به عمل آورده‌اند.

رژیم صدام حسین از بدو شکل‌گیری، فشارهای مضاعفی بر شیعیان در عراق وارد آورد. به رغم وجود اکثریت شیعه در ترکیب ارتش و بسیاری از نهادهای دولتی، شیعیان همواره از دستیابی به مناصب بالا و کلیدی محروم می‌شدند. سیاست رژیم بعث عراق در خصوص محدودسازی شیعیان در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی مورد حمایت کشورهای عربی و قدرت‌های بین‌المللی قرار داشت. دولت‌های عرب منطقه به دلیل تمایزات مذهبی هیچ‌گاه خواهان قدرت یافتن شیعیان عراق نبوده‌اند. از سوی دیگر با توجه به روابط گسترده رژیم صدام حسین با دول شرقی و غربی، گرچه عراق در زمره وابستگان به ابرقدرت شرق محسوب می‌گردید اما به ویژه در طول جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران، رژیم بعث از حمایت‌های فراوان سیاسی و اقتصادی دولت‌های غربی نیز برخوردار بود. نگرانی‌های غرب به ویژه آمریکا از قدرت یافتن شیعیان عراق تا حدی بوده که در عملیات طوفان صحرا هنگامی که ضربات مهلکی بر پیکر ارتش عراق وارد گردید و شیعیان جنوب این کشور شورش‌هایی تحت عنوان انتفاضه شعبانیه را شکل دادند، ناگهان حملات نظامیان امریکایی با هدف بازگذاشتن دست ارتش عراق برای سرکوب شیعیان متوقف گردید؛ همچنان که بعدها امریکایی‌ها نیز اذعان نمودند که در آن مقطع فروپاشی رژیم صدام حسین موجب به دست‌گیری قدرت توسط شیعیان می‌گردید.

پس از رویدادهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا که موجب شد خاورمیانه و جهان اسلام

امروزه هیچ قدرتی نمی تواند بدون در نظر گرفتن شیعیان در عراق نقش آفرینی نماید و بدون ملاحظات ساختار توزیع قدرت سیاسی در عراق که شیعیان در آن از برجستگی فراوانی برخوردارند، تأثیر گذار باشد

در کانون استراتژی سیاست خارجی امریکا قرار گیرد، روشن شد که افراط گرایان سنی سیاست های امریکا را به طور جدی به چالش کشیده اند؛ بنابراین بیشترین نگرانی های استراتژیست ها و سیاستمداران امریکایی به سمت نیروهای سنی متمایل گردید. پس از اشغال عراق نیز برخی گروه های تندرو سنی با همکاری شبکه القاعده دست

به اقدامات ناامن کننده در عراق زدند و سیاست های امریکا در این کشور را به چالش کشیدند. البته هدف اصلی این گروه ها اعتراض به امریکا و دستیابی به قدرت بیشتر در ساختار جدید عراق بوده است؛ اما شیعیان با توجه به اکثریت نسبی و با اعتماد به نفس و اتخاذ روش های دیپلماتیک، قانونمند و منطقی در فرآیند دولت سازی مشارکت فعال نمودند و موفق شدند به قدرت بایسته دست یابند.

تحولات ناشی از سقوط رژیم صدام حسین و خروج شیعیان از تنگنای ژئوپلیتیک به صورت بارزی نقش ژئوپلیتیک شیعیان در عراق را ارتقا بخشیده است. اکثریت مجلس نمایندگان، پست نخست وزیری و بسیاری از پست های دولتی برخلاف دوران گذشته اکنون در اختیار شیعیان قرار دارد. با توجه به وجود اماکن مقدس شیعیان در عراق و همچنین وجود ذخایر عظیم نفت و گاز در مناطق جنوبی عراق که اکثراً شیعه نشین هستند، تأثیر شیعیان به عنوان یک عامل مهم ژئوپلیتیک در سطح منطقه و نظام بین الملل مضاعف می گردد. در مجموع فروپاشی رژیم صدام حسین نقطه عطفی در روند سیاسی شدن شیعیان و برخورداری آنها از هویت دوگانه سیاسی و مذهبی در جامعه عراق محسوب می شود. پس از صدام حسین شیعیان به خوبی توانسته اند با اتکا به مؤلفه های قدرت خود از فرصت پیش آمده بهره برداری نمایند و حضور سیاسی خود را در عراق گسترش و تعمیق بخشند.

امروزه هیچ قدرتی نمی تواند بدون در نظر گرفتن شیعیان در عراق نقش آفرینی نماید و بدون ملاحظات ساختار توزیع قدرت سیاسی در عراق که شیعیان در آن از برجستگی فراوانی برخوردارند، تأثیر گذار باشد.

انجام تحولات سیاسی در عراق و به قدرت رسیدن شیعیان در این کشور، چشم انداز قدرت و سیاست در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس را تحت تأثیر قرار داده است. فوری ترین نتیجه این تحولات، افزایش حوزه های ظرفیت سازی در سیاست خارجی





ایران نه تنها در روابط با عراق بلکه در روابط با کشورهای حاشیه جنوبی منطقه خلیج فارس، جهان عرب و قدرت‌های بزرگ می‌باشد. امری که در قالب نگرانی‌های جهان عرب از شکل‌گیری هلال شیعی و در نزد قدرت‌های خارجی از افزایش نقش و نفوذ ایران در سطح منطقه یاد می‌شود. همزمان با افزایش نقش ایران، خروج عراق از حالت یک بازیگر تهدیدآمیز و همچنین روند تغییر شکل ماهیت تهدیدات امنیتی در شرایط جدید، ضرورت شکل‌گیری نظام امنیت منطقه‌ای مبتنی بر ویژگی‌ها و تحولات جدید سیاسی اجتناب‌ناپذیر گردیده است. اهمیت تحولات جدید به دلیل ورود پررنگ عنصر شیعه در تقویت روابط ایران و عراق و تأثیرات آن بر شکل قدرت و سیاست در منطقه خلیج فارس است.

به همین جهت عوامل مختلفی تلاش می‌نمایند از قابلیت‌های اثرگذاری شیعیان عراق بکاهند؛ از سوی دیگر چالش‌های متقاطع و متراکم را در محیط سیاسی آنها فعال سازند. بر همین مبنا سیاست‌های بازیگران داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی عراق را علیه استحکام بنیادهای دولت شیعی در عراق می‌بینیم؛ امری که نه فقط در حوزه سیاسی - امنیتی بلکه در حوزه فرهنگی و هویتی به شدت بروز یافته است.